**غدير از ديدگاه امام خميني (ره(**

**پيام غدير، ولايت و حکومت**

من درباره شخصيت حضرت امير(ع) چه مي توانم بگويم و کي چه مي تواند بگويد. ابعاد مختلفه اي که اين شخصيت بزرگ دارد، به گفت و گوي ماها و به سنجش بشري در نمي آيد. کسي که انسان کامل است و مظهر جميع اسماء و صفات حق تعالي است، ابعادش به حسب اسماء حق تعالي بايد هزار باشد و ما از عهده بيان حتّي يکي اش نمي توانيم برآييم. اين شخصيت که جامع تضاد است، امور متضاده در او جمع است، کسي نمي تواند در حول و حوش او سخن بگويد؛ از اين جهت، من در اين موضوع بهتر مي دانم، که ساکت باشم. لکن مسئله اي را که بهتراست ما بگوييم، انحرافاتي است که براي ملت ها و خصوصاً براي شيعيان اين حضرت پيش آمده است در طول تاريخ و دست هايي که اين انحرافات را از اول به وجود آورده اندو توطئه هايي که بوده است در طول تاريخ و اخيراً در اين سال هاي اخير، سده هاي اخيرپيش آمده است، آن ها را عرض کنم. مسئله غدير،مسئله اي نيست که بنفسه براي حضرت امير(ع) يک مسئله اي پيش بياورد، حضرت امير مسئله غدير را ايجاد کرده است. آن وجد شريف که منبع همه جهات بوده است، موجب اين شده است که غدير پيش بيايد. غدير براي حضرت امير(ع) ارزش ندارد؛ آن که ارزش دارد خود حضرت است که دنبال آن ارزش، غديرآمده است. خداي تبارک و تعالي که ملاحظه فرموده است که در بشر بعد از رسول الله کسي نيست که بتواند عدالت را به آن طوري که بايد انجام بدهد، آن طوري که دلخواه است انجام بدهد. مأمور مي کند رسول الله را که اين شخص را که قدرت اين معنا را دارد که عدالت را به تمام معنا در جامعه ايجاد کند و يک حکومت الهي داشته باشد، اين را نصب کن. نصب حضرت امير به خلافت اين طور نيست که از مقامات معنوي حضرت باشد؛ مقامات معنوي حضرت و مقامات جامع او اين است که غدير پيدا بشود.
و اين که در روايات ما از آن زمان تا حالا اين غدير آن قدرازش تجليل کرده اند، نه از باب اين که حکومت يک مسئله اي است، حکومت آن است که حضرت امير به ابن عباس مي گويد که به «قدراين کفش بي قيمت هم پيش من نيست» آن که هست اقامه عدل است. آن چيزي که حضرت امير(ع) و اولاد او مي توانستند درصورتي که فرصت بهشان بدهند، اقامه عدل را به طوري که خداي تبارک و تعالي رضا داد، انجام بدهند، اين ها هستند، لکن فرصت نيافتند. زنده نگه داشتن اين عيد، نه براي اين است که چراغاني بشود و قصيده خواني بشود و مداحي بشود، اين ها خوب است، اما مسئله اين نيست. مسئله اين است که ياد بدهند که غدير منحصر به آن زمان نيست. غدير در همه اعصار بايد باشد و روشي که حضرت امير(ع) در اين حکومت پيش گرفته است بايد روش ملت ها و دست اندرکاران باشد. قضيه غدير، قضيه جعل حکومت است، اين است که قابل نصب است و الا مقامات معنوي قابل نصب نيست. يک چيزي نيست که با نصب آن مقام پيدا بشود؛ لکن آن مقامات معنوي که بوده است و آن جمعيتي که براي آن بزرگوار بوده است، اسباب اين شده است که او را به حکومت نصب کنند و لهذا، مي بينيم که در عرص صوم و صلوة و امثال اين ها مي آورد و ولايت مجري اين هاست. ولايتي که در حديث غدير است به معناي حکومت است، نه به معناي مقام معنوي. و حضرت امير (ع) را همان طوري که من راجع به قرآن عرض کردم که قرآن -در روايات است اين- نازل شده است به منازل مختلف، کلياتش سبع و الي سبعين و الي زيادتر، تا حالا رسيده است به دست ماها به صورت يک مکتوب، حضرت امير هم اين طوراست. رسول خدا هم اين طور است. مراحل طي شده است، تنزل پيدا کرده است. از وجود مطلق تنزل پيدا کرده است، از وجود جامع تنزل پيدا کرده است و آمده است پايين تا رسيده است به عالم طبيعت، در عالم طبيعت اين وجودمقدس و آن وجود مقدس و اولياي بزرگ خدا. بنابراين، اين که حديث غدير را ما حساب کنيم که مي خواهد يک معنويتي را براي حضرت امير يا يک شأني براي حضرت امير(ع) درست کند، نيست. حضرت امير است که غدير را به وجود آورده است، مقام شامخ اوست که اسباب اين شده است که خداي تبارک و تعالي او را حاکم قرار بدهد.(1(

**پي نوشت ها:**

1. صحيفه امام، ج20، صص 111-113

منبع: نشريه موعود، شماره 106